

تدوین مدل ساختاری برای پیش بینی پیشرفت تحصیلی از طریق سبکهای فرزندپروری و تعامل والد- فرزند در دانش آموزان دوره متوسطه دوم شهر تهران

سید علی مهربان^۱

دکتر ابوالفضل کرمی^۲

دکتر حسن اسدزاده^۳

دکتر نعمت ستوده اصل^۴

چکیده

هدف از پژوهش حاضر تدوین مدل ساختاری برای پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی از طریق سبکهای فرزندپروری و تعامل والد- فرزند در دانش آموزان دوره متوسطه دوم بوده است. جامعه پژوهشی شامل همه دانش آموزان دختر و پسر پایه‌های دهم و یازدهم دوره متوسطه شهر تهران به تعداد ۱۲۳۲۴۰ نفر در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ بوده که از میان آنها ۴۰۰ نفر (۲۲۰ دختر و ۱۸۰ پسر) با بهره‌گیری از فرمول مورگان به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شده‌اند و به پرسشنامه‌های سبکهای فرزندپروری بامریند (۱۹۷۳) و مقیاس رابطه والد- فرزند (فاین و همکاران، ۱۹۸۳) پاسخ داده‌اند. نتایج این پژوهش نشان داد که سبک فرزندپروری اقتداری تأثیر مستقیم مثبت و معنادار بر پیشرفت تحصیلی دارد. سبک فرزندپروری استبدادی تأثیر مستقیم منفی و معنادار بر پیشرفت تحصیلی دارد، در حالی که سبک فرزندپروری سهل‌انگار تأثیر مستقیم منفی و غیرمعنادار بر پیشرفت تحصیلی دارد. همچنین، ضرایب همبستگی میان ابعاد تعامل والد- فرزند و پیشرفت تحصیلی نشان داد که عاطفه مثبت مادر، ارتباط یا گفت و شنود و همانندسازی مادر همبستگی مثبت و معنادار با پیشرفت تحصیلی دارند، در حالی که آزردهی/سردرگمی نقش همبستگی منفی و معنادار با پیشرفت تحصیلی دارد. همچنین، عاطفه مثبت پدر، ارتباط یا گفت و شنود و مشارکت پدر، همبستگی مثبت و معنادار با پیشرفت تحصیلی دارند، اما، خشم پدر همبستگی منفی و معنادار با پیشرفت تحصیلی دارد.

کلید واژگان: سبکهای فرزندپروری، تعامل والد- فرزند، پیشرفت تحصیلی

تاریخ دریافت: ۹۶/۴/۱۲ تاریخ پذیرش: ۹۷/۳/۲۵

s.alimehraban@yahoo.com

۱. دکتری روان‌شناسی عمومی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

a.Karami@atu.ac.ir

۲. دانشیار دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Asadzadeh@atu.ac.ir

۳. دانشیار دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

Sotodeh2@semums.ac.ir

۴. دانشیار مرکز تحقیقات مراقبتهای پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی سمنان، سمنان، ایران

مقدمه

امروزه پیشرفت و عملکرد تحصیلی به منزله مسأله ای اساسی در نظام آموزش و پرورش هر کشور مطرح است، به طوری که میزان پیشرفت تحصیلی یادگیرندگان به مثابه یک شاخص مهم برای ارزیابی نظامهای آموزشی و موفقیت در فعالیتهای علمی مورد توجه دست اندرکاران نظام آموزش و پرورش قرار گرفته است. از نگاه دیگر پیشرفت تحصیلی همواره برای معلمان، دانش آموزان و یادگیرندگان، والدین، نظریه پردازان و محققان تربیتی حائز اهمیت بوده است. آموزگاران همواره در پی یافتن بهترین راه و روشهای آموزشی هستند تا به کمک آن یادگیرندگانی داشته باشند که نه تنها مطالب ارائه شده در کلاس درس را به خوبی درک کنند، بلکه در امور تحصیلی نیز خودانگیزخته، فعال، علاقه مند و موفق باشند، چرا که فارغ از همه مسائل، پیشرفت تحصیلی یادگیرندگان به منزله یکی از مهم ترین ملاکهای تعیین شایستگی معلمان و ارزیابی عملکرد آنان مطرح است (رستگار، ۱۳۸۵). از سویی هم مسأله تربیت، مسأله حیات و ممت ملتهاست. اساس آن در خانواده گذاشته می شود و در مدرسه و جامعه تکمیل می یابد. به صراحت می توان گفت که مفهوم پیشرفت یا عقب ماندگی را از هر دیدی که بنگریم محصول تربیت است. قومی پیشرفته است که تربیت آن پیشرفته باشد و قومی عقب مانده که تربیت آن عقب مانده است و این امر هم از نظر مادی و هم از نظر معنوی قابل تبیین است. (آبشا، ۲۰۱۲).

عملکرد و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان تحت تأثیر عوامل متعدد است که از میان این عوامل می توان به سبکهای فرزندپروری و تعامل والد- فرزند اشاره کرد (آبشا، ۲۰۱۲؛ گالا^۱ و همکاران، ۲۰۱۴؛ جمالی و همکاران، ۱۳۹۲؛ گوآی^۳ و همکاران، ۲۰۱۰). سبکهای فرزندپروری به رفتارهای مشخص والدین اشاره دارد که به طور مجزا و در ارتباط با یکدیگر بر پیامدهای تحولی کودک اثر می گذارند و در برگزیده میزان پاسخگو بودن و مطالبه گر بودن والدین است (بروک^۴، ۲۰۰۵). با مریند^۵ (۱۹۶۶)، به نقل از اژه ای و همکاران، (۱۳۹۰) سه سبک برای فرزندپروری والدین پیشنهاد می کند: مستبد، مقتدر و آسان گیر. والدین مقتدر معمولاً انتظار دارند از فرزندانشان رفتارهای پخته ببینند و موازین رفتاری روشنی برای آنها وضع می کنند، کودکانشان را ترغیب می کنند تا مستقل باشند و نظام باز و انعطاف پذیری برای تعامل با فرزندانشان دارند. والدین مستبد

1. Absha
2. Galla
3. Guay
4. Bruke
5. Baumrind

معمولاً ارزش بسیار برای حفظ اقتدار خود قائل اند و هرگونه تلاش از جانب فرزندان برای به چالش کشیدن این اقتدار را سرکوب می‌کنند، کودکان مجاز نیستند با والدین بحث کنند یا به طور مستقل تصمیم بگیرند. والدین آسان‌گیر به فرزندان نشان اجازه می‌دهند رفتارهای خود را تنظیم کنند و برای خودشان تصمیم بگیرند، اما به ندرت قواعدی برای نظارت بر رفتارهای کودکانشان وضع می‌کنند.

تحقیقات گوناگون نشان داده است که میان هر یک از سبک‌های فرزندپروری مطرح شده با عملکرد و پیشرفت تحصیلی رابطه معنادار وجود دارد. از آن میان می‌توان به پژوهش‌های اژه ای و همکاران (۱۳۹۰)، آبشا (۲۰۱۲) و تنهایی رشوانلو و حجازی (۱۳۸۸) اشاره کرد. نتایج پژوهش‌های متعدد نشان داده است که میان سبک فرزندپروری مقتدر با عملکرد تحصیلی، رابطه مثبت و معنادار و میان سبک‌های فرزندپروری مستبد و آسان‌گیر با عملکرد تحصیلی، رابطه منفی نشان وجود دارد (آبشا، ۲۰۱۲؛ اژه ای و همکاران، ۱۳۹۰؛ اینگلدبی^۱ و همکاران، ۲۰۰۴؛ بامریند، ۱۹۷۱). والدین از طریق سبک‌های فرزندپروری خود اثراتی بسیار اساسی و چشمگیری در پیشرفت تحصیلی فرزندان‌شان در سطوح مختلف آموزش می‌گذارند. نوجوانان و جوانان، برای موفقیت در مراحل تحصیلی و زندگی‌شان نیازمند اعتماد، حمایت، روابط نزدیک با خانواده خود، به ویژه والدینشان هستند (رایس^۲ و همکاران، ۱۹۹۰). به همین دلیل برخی از محققان بر این باورند که حمایتی که نوجوانان می‌توانند از پدر و مادر خود دریافت کنند، پشتوانه ای استوار در طول زندگی‌شان، به ویژه طی دوران مدرسه است (اشتاین‌برگ^۳، ۲۰۰۱؛ رایس و همکاران، ۱۹۹۰). لورد^۴ و همکاران (۱۹۹۴) اشاره کرده اند که روابط و تعاملات میان والدین و نوجوانان نقشی مهم در رشد اعتماد به خود، حرمت خود، خودکارآمدی و تصویر خود در نوجوانان هم به شکل مثبت و هم به شکل منفی دارد. یکی دیگر از عواملی که با عملکرد تحصیلی دانش آموزان رابطه دارد و می‌تواند پیشرفت تحصیلی آنان را تا سطوح بالا ارتقا بخشد، تعامل والد-فرزندی است. پژوهش‌های متعدد نشان داده اند، خانواده و تعامل متقابل والدین با فرزندان‌شان نقشی مهم در پرورش استعدادها و سلامت دارند و عملکرد تحصیلی فرزندان را ارتقا می‌بخشند. نظریه‌های گوناگون نیز بر این نکته تاکید دارند، میزان امنیتی که در رابطه متقابل مادر-فرزند و پدر-فرزند احساس می‌شود، در درازمدت به

1. Ingoldby
2. Rice
3. Steinberg
4. Lord

روابط صمیمانه، خودباوری و تحول روانی می‌انجامد (بندورا^۱ و همکاران، ۲۰۰۱، به نقل از رستمی و همکاران، ۱۳۸۹).

زندگی برای انسان از راه تعامل و ارتباط امکان‌پذیر است و اصلی‌ترین منبع ارتباطی برای آدمی، والدین اند. والدین می‌توانند با ایجاد رابطه محبت‌آمیز و به‌کارگیری کلمات و حرکتی‌هایی که نشان‌دهنده پذیرش کودک است، پاسخگو و متعهد بودن در قبال نیازها و ارزشهای فرزند، بهره‌گیری از لحنی مثبت و سرشار از عاطفه و عدم تحقیر و پرهیز از انتقاد صریح و سرزنش کودک، تعاملی سالم و باکیفیت با فرزندانشان برقرار کنند. هنگامی که کودک احساس می‌کند درک شده است، احساس تعلق و دوست داشتنی بودن می‌کند، عشق او به پدر و مادرش عمیق‌تر می‌شود و ارزشها و هنجارهای والدین را درونی می‌کند، احساسات و مشکلات خود را بیان می‌کند و در مواجهه با تعارضات از آنها راهنمایی و دلگرمی می‌طلبد (علیزاده، ۱۳۸۰).

برخی از روانشناسان معتقدند که پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان با عواملی مانند اعتماد به خود، تمرکز حواس، سخت‌کوشی، پشتکار برای انجام دادن تکالیف دشوار و تمایل به ادامه مطالعه رابطه دارد (رادل^۲ و همکاران، ۲۰۱۰). در واقع دانش‌آموزان با پیشرفت در تحصیل برانگیخته می‌شوند تا تکالیف تحصیلی خود را برای دستیابی به اهداف خود و سطح مشخصی از تخصص، مهارت و موفقیت تکمیل کنند. رفتارهای افراد با پیشرفت تحصیلی بالا، پارانرژی، هدفمند، جهت‌دار و با ثبات است. همچنین، دانش‌آموزان با انگیزه بالا خود را درگیر فعالیتهای تحصیلی دشوار می‌کنند و برای یادگیری در حد تسلط بسیار تلاش می‌کنند (امرای، الهی‌مطلق، عزیزی و پرهون، ۲۰۱۱).

با توجه به مطالب ارائه شده، در پژوهش حاضر تلاش شده است تا مدلی ساختاری برای پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی از طریق سبکهای فرزند پروری و تعامل والد-فرزندی در دانش‌آموزان طراحی و تدوین شود. بر این اساس فرضیه‌های پژوهش عبارت اند از:

۱. شیوه‌های فرزندپروری سبب افزایش معنادار پیشرفت تحصیلی می‌شود.

۲. تعامل والد-فرزند سبب افزایش معنادار پیشرفت تحصیلی می‌شود.

۳. میان تعامل والد-فرزند و شیوه‌های فرزندپروری رابطه معنادار وجود دارد.

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

1. Bandura
2. Radel

پژوهش حاضر مطالعه ای توصیفی است. طرح پژوهش از نوع طرح‌های پیش‌بین در مطالعات همبستگی و مدل‌یابی است. از آنجایی که هدف این پژوهش تدوین مدل ساختاری برای پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی از طریق سبک‌های فرزندپروری و تعامل والد-فرزندی است، از طریق تحلیل مسیر و مدل معادلات ساختاری اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای پیش‌بینی کننده بر پیشرفت تحصیلی مشخص شده است. همچنین روش پژوهش میدانی و کتابخانه ای نیز به کار رفته است.

جامعه آماری شامل همه دانش آموزان دوره متوسطه دوم در پایه‌های دهم و یازدهم شهر تهران در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ بوده است. نمونه پژوهش به صورت تصادفی خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شد، به طوری که شهر تهران را از نظر جغرافیایی به پنج قسمت (شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز) تقسیم کرده ایم و بطور تصادفی پنج منطقه از ۱۹ منطقه آموزش و پرورش شهر تهران انتخاب شد. از مناطق شمال، منطقه ۱، از مناطق غرب، منطقه ۲، از مناطق شرق، منطقه ۸، از مناطق جنوب، منطقه ۱۵ و از مناطق مرکز، منطقه ۶ انتخاب شد و از هر پنج منطقه دو دبیرستان (۱ دبیرستان پسرانه و ۱ دبیرستان دخترانه) و از هر دبیرستان دو کلاس و از هر کلاس درس ۲۰ دانش آموز انتخاب شد که در حدود ۴۰۰ نفر بودند (۱۸۰ پسر و ۲۲۰ دختر). حجم نمونه بر اساس فرمول کرجسی-مورگان چنین محاسبه شده است.

$$s = X^2 NP(1 - P) \div d^2(N - 1) + X^2 P(1 - P).$$

بر اساس جدول مورگان، حجم نمونه ۳۸۴ نفر برای جامعه یک میلیون نفری در نظر گرفته شده که بالاترین حجم نمونه محاسبه شده است و برای اطمینان از یافته‌های تحقیق حاضر حجم نمونه ۴۰۰ نفر در نظر گرفته شد. براین اساس تعداد کل دانش آموزان دوره متوسطه دوم شهر تهران در سال تحصیلی (۹۶-۱۳۹۵) ۱۷۰۳۸۹ نفر هستند که از این عده دانش آموزان پایه دهم ۶۲۹۲۴ نفر و دانش آموزان پایه یازدهم ۶۰۳۱۶ نفرند. از این جمعیت ۴۰۰ دانش آموز (۲۲۰ دانش آموز دختر و ۱۸۰ دانش آموز پسر) در حکم نمونه انتخاب شدند.

ابزارهای پژوهش

الف) پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری بامریند^۱: این ابزار اقتباسی است از نظریه اقتدار والدین که بر اساس نظریه بامریند از سهل‌گیرانه، استبدادی و مقتدرانه برای بررسی الگوهای فرزندپروری ساخته شده است. این پرسشنامه شامل ۳۰ سوال است که به صورت طیف لیکرت پنج درجه ای (کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) سنجیده می‌شود. دامنه تغییر نمرات برای هر سبک فرزندپروری

1. Parental Authority Questionnaire (PAQ)

به ترتیب از صفر تا ۴۰ است (بامریند، ۱۹۷۳، به نقل از صدرالسادات، شمس اسفندآباد و امامی پور، ۱۳۸۴).

این پرسشنامه را نخستین بار اسفندیاری (۱۳۷۴) در ایران ترجمه کرده و پایایی بازآزمایی آن را برای مؤلفه سهل‌گیرانه ۰/۶۹، مستبدانه ۰/۷۷ و مقتدرانه ۰/۷۲ به دست آورده است. روایی محتوایی سوری با نظرسنجی از ده متخصص در زمینه روان‌شناسی و روان‌پزشکی تایید شده است. بوری^۱ (۱۹۹۱) میزان پایایی این پرسشنامه را با روش بازآزمایی ۰/۸۱ برای سهل‌گیرانه، ۰/۸۶ برای استبدادی و ۰/۷۸ برای مقتدرانه به دست آورده است. در میان مادران ۰/۷۷ برای شیوه سهل‌گیرانه، ۰/۸۵ برای شیوه مستبدانه و ۰/۹۲ برای شیوه مقتدرانه به دست آورده است و میزان پایایی آن را با روش بازآزمایی با فاصله زمانی یک هفته ۰/۸۱ برای سبک آسان‌گیر، ۰/۸۵ برای سبک مستبد و ۰/۹۲ برای سبک مقتدر پدران گزارش کرده است. در پژوهش حاضر نیز ضرایب پایایی برای خرده مقیاسهای پرسشنامه سبکهای فرزندپروری با بهره‌گیری از روش آلفای کرونباخ، ۰/۸۵ برای سبک استبدادی مادر، ۰/۸۷ برای سبک سهل‌گیر مادر، ۰/۹۵ سبک مقتدرانه مادر، ۰/۸۰ برای سبک استبدادی پدر، ۰/۷۹ برای سبک سهل‌گیر پدر و ۰/۷۰ برای سبک مقتدرانه پدر به دست آمده است که نشان‌دهنده پایایی قابل قبول پرسشنامه فوق است. بنابراین ضریب پایایی کل پرسشنامه برابر با ۰/۷۲ است و پرسشنامه از پایایی پژوهشی لازم برخوردار است. نمره‌گذاری سوالهای پرسشنامه با امریند نیز بر مبنای مقیاس لیکرت صورت می‌گیرد (اسفندیاری، ۱۳۷۴) و شاخصهای GFI, TLI CFI و IFI به ترتیب ۰/۹۶، ۰/۹۸، ۰/۹۸ و ۰/۹۸ هستند که نشان‌دهنده برازندگی مناسب پرسشنامه با داده هاست.

ب) **مقیاس رابطه والد- فرزند**: مقیاس رابطه والد- فرزند را فاین، مورلند و شوبل^۳ (۱۹۸۳) ساخته اند که از ۲۴ گویه تشکیل شده است و برای سنجش کیفیت ارتباط والدین و فرزندان به کار می‌رود. نمره‌گذاری پرسشنامه به صورت طیف لیکرت ۷ درجه‌ای (۱=هیچ، ۷=خیلی زیاد) سنجیده می‌شود. پایایی مقیاس رابطه والد- فرزند با ضرایب آلفای ۰/۸۹ تا ۰/۹۴ برای خرده‌مقیاسهای مربوط به پدر و نیز آلفای کلی ۰/۹۶ و ضرایب آلفای ۰/۶۱ تا ۰/۹۴ برای خرده‌مقیاسهای مربوط به مادر و نیز آلفای کلی ۰/۹۴ نشان از همسانی درونی بالای سوالات دارد. این ضرایب آلفا را سازندگان مقیاس با اجرای پرسشنامه روی ۲۴۱ دانشجو به دست آورده اند. در ایران پرهیزگار این پرسشنامه را در سال ۱۳۸۱ ترجمه کرده و پایایی درونی آن را برای فرم پدر ۰/۹۳ و برای فرم مادر ۰/۹۲ به دست آورده است که نشان‌دهنده همسانی درونی خوبی است (عراقی، ۱۳۸۷).

1. Buri
2. The Parent-Child Relationship Survey (PCRS)
3. Fine, Moreland & Schwebel

در پژوهش حاضر جهت تعیین پایایی از روش آلفای کرونباخ استفاده شد و مقدار ضرایب آلفا برای خرده‌مقیاس‌های مربوط به پدر ۰/۸۳ تا ۰/۹۶، ضرایب آلفای ۰/۶۷ تا ۰/۹۶ برای خرده‌مقیاس‌های مربوط به مادر و نیز ضرایب آلفای ۰/۸۷ برای رابطه کلی والدین به دست آمد.

ج) عملکرد و پیشرفت تحصیلی: در این پژوهش از معدل کل دانش آموزان در نیمسال اول سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ به عنوان عملکرد تحصیلی استفاده شده است.

تحلیل داده‌ها

داده‌های گردآوری شده در این تحقیق با نرم افزارهای SPSS و AMOS 24 تحلیل شده اند. روش‌های آماری به کار رفته عبارت اند از: محاسبه ضریب اعتبار آلفای کرونباخ، مدل رگرسیون ساختاری و مدل ساختاری.

یافته‌های پژوهش

جدول ۱ آمار توصیفی ابعاد تعامل والد-فرزند، شیوه فرزندپروری و پیشرفت تحصیلی را نشان می‌دهد.

جدول ۱: آمار توصیفی ابعاد تعامل والد-فرزند، شیوه فرزندپروری و پیشرفت تحصیلی

ابعاد	تعداد	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف استاندارد	آلفای کرونباخ
عاطفه مثبت	۴۰۰	۲۰	۱۱۱	۶۵/۵۴	۱۶/۴۹۱	۰/۹۶۵
عاطفه منفی	۴۰۰	۷	۳۸	۲۳/۹۷	۶/۰۵۷	۰/۹۱۸
ارتباط	۴۰۰	۳	۱۵	۷/۶۲	۱/۹۱۴	۰/۶۷۷
آزردگی / سردرگمی نقش	۴۰۰	۴	۲۱	۱۳/۰۶	۳/۳۰۷	۰/۸۵۵
همانندسازی مادر	۴۰۰	۳	۵۱	۳۲	۸/۰۴۲	۰/۹۶۲
عاطفه مثبت	۴۰۰	۵	۲۶	۱۵/۲۴	۳/۷۷۰	۰/۸۳۵
عاطفه منفی	۴۰۰	۱	۴	۲/۶۴	۰/۶۸۰	---
ارتباط	۴۰۰	۴	۳۳	۱۹/۷۰	۴/۷۳۶	۰/۹۰۰
خشتم	۴۰۰	۲	۴۰	۲۳/۶۷	۵/۹۴۹	۰/۸۶۸
مشارکت	۴۰۰	۸	۳۲	۲۰/۰۳	۵/۰۳۵	۰/۸۵۳
سهل‌گیری	۴۰۰	۸	۴۱	۲۵/۸۳	۶/۴۴۴	۰/۹۴۹
سهل‌گیری مادر	۴۰۰	۳	۴۸	۲۹/۹۶	۷/۵۴۷	۰/۷۹۵
سهل‌گیری پدر	۴۰۰	۶	۵۸	۳۱/۹۴	۸/۰۲۴	۰/۸۰۵
استبدادی مادر	۴۰۰	۱۱	۵۰	۲۷/۹۸	۷/۱۴۵	۰/۶۹۷
استبدادی پدر	۴۰۰	۲	۱۸	۱۰/۰۴	۲/۵۳۱	---
اقتداری مادر	۴۰۰	۲	۱۸	۱۰/۰۴	۲/۵۳۱	---
اقتداری پدر	۴۰۰	۲	۱۸	۱۰/۰۴	۲/۵۳۱	---
پیشرفت تحصیلی	۴۰۰	۲	۱۸	۱۰/۰۴	۲/۵۳۱	---

توضیح: آلفای کرونباخ "خشتم" محاسبه نشده است، زیرا فقط یک سوال این متغیر را اندازه گرفته است.

جدول ۲ ضرایب همبستگی پیرسون میان متغیرهای فوق را نشان می‌دهد.

جدول ۲: ضرایب همبستگی پیرسون میان ابعاد تعامل والد- فرزندی، شیوه فرزندپروری و پیشرفت تحصیلی

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱. پیشرفت تحصیلی	۱														
۲. خشم پدر	-.۳۹۹**	۱													
۳. عاطفه پدر	۰/۴۶۷**	-۰/۱۱۰	۱												
۴. ارتباط پدر	۰/۴۳۳**	-۰/۰۹۹	۰/۱۱۲	۱											
۵. مشارکت پدر	۰/۳۵۷**	-۰/۱۰۰	۰/۰۹۰	۰/۱۵۱	۱										
۶. عاطفه مادر	۰/۳۴۴**	-۰/۱۳۸	۰/۱۷۳	۰/۰۸۷	۰/۱۶۷	۱									
۷. ارتباط مادر	۰/۴۱۱**	-۰/۰۸۹	۰/۰۷۶	۰/۲۴۹	۰/۰۶۴	۰/۰۵۸	۱								
۸. آزردهی مادر	-۰/۳۶۵**	۰/۰۷۹	-۰/۰۸۰	-۰/۰۴۸	-۰/۰۴۹	-۰/۰۸۸	-۰/۰۸۱	۱							
۹. همانندسازی مادر	۰/۴۲۲**	-۰/۱۱۳	۰/۱۰۲	۰/۰۷۷	۰/۰۷۶	۰/۰۵۱	۰/۰۷۱	-۰/۰۶۶	۱						
۱۰. اقتداری پدر	۰/۳۴۵**	-۰/۲۰۲	۰/۱۸۹	۰/۱۱۶	۰/۰۲۲	۰/۱۱۸	۰/۱۵۲	-۰/۱۱۱	۰/۱۱۷	۱					
۱۱. اقتداری مادر	۰/۳۴۱**	-۰/۰۱۶	۰/۱۷۸	۰/۰۳۸	۰/۰۱۱	۰/۱۲۱	۰/۱۵۸	-۰/۱۷۶	۰/۱۸۳	۰/۲۲۴	۱				
۱۲. استنادی پدر	-۰/۲۸۴**	۰/۲۵۱	-۰/۱۰۵	-۰/۰۱۸	-۰/۱۰۹	-۰/۰۶۳	-۰/۱۷۳	۰/۱۰۶	-۰/۱۳۷	-۰/۱۰۳	-۰/۱۰۳	۰/۰۴۹	۱		
۱۳. استنادی مادر	-۰/۲۸۳**	۰/۱۷۸	-۰/۱۰۷	-۰/۰۸۳	-۰/۰۷۴	-۰/۰۶۷	-۰/۱۹۲	۰/۱۴۳	-۰/۱۰۳	-۰/۱۰۴	۰/۰۸۹	۰/۳۴۵	۰/۳۴۵	۱	
۱۴. سهل گیری پدر	-۰/۲۶۸**	۰/۰۷۴	-۰/۱۶۶	-۰/۰۸۷	-۰/۰۸۵	-۰/۱۲۳	-۰/۱۵۱	۰/۱۳۳	-۰/۱۶۷	-۰/۰۷۲	۰/۰۷۷	۰/۰۷۸	۰/۰۷۵	۰/۰۷۵	۱
۱۵. سهل گیری مادر	-۰/۲۰۲**	۰/۰۰۳	-۰/۱۴۶	-۰/۰۸۱	۰/۰۰۹	-۰/۰۹۹	-۰/۱۴۴	۰/۰۴۹	-۰/۰۴۴	-۰/۰۷۷	۰/۱۱۰	۰/۰۵۹	۰/۰۴۶	۰/۲۶۴	۰/۲۶۴

**p=۰/۰۱

*p=۰/۰۵

جدول ۳: آزمون نرمال بودن توزیع داده‌ها

متغیرها	کمینه	بیشینه	کجی	نسبت کجی	بلندی	نسبت بلندی
پیشرفت تحصیلی	۲	۱۸	-۰/۱۰۱	-۰/۸۲۲	۰/۰۷۰	۰/۲۸۶
خشم پدر	۱	۴	-۰/۱۲۳	-۱/۰۰۲	-۰/۱۵۰	-۰/۶۱۲
عاطفه پدر	۳	۵۱	-۰/۱۸۴	-۱/۴۹۹	۰/۴۶۲	۱/۸۸۵
ارتباط پدر	۵	۲۶	-۰/۰۴۳	-۰/۳۵۴	-۰/۱۴۹	-۰/۶۰۸
مشارکت پدر	۴	۳۳	-۰/۳۶۵	-۲/۹۷۹	۰/۳۳۱	۱/۳۵۱
عاطفه مادر	۲۰	۱۱۱	-۰/۰۶۲	-۰/۵۰۸	-۰/۲۸۹	-۱/۱۷۹
ارتباط مادر	۷	۳۸	۰/۰۳۲	۰/۲۵۹	-۰/۲۴۵	-۰/۹۹۸
آزردگی مادر	۳	۱۵	۰/۳۸۹	۳/۱۷۴	۰/۳۶۵	۱/۴۹۱
همانندسازی مادر	۴	۲۱	-۰/۰۰۵	-۰/۰۴۱	-۰/۴۴۵	-۱/۸۱۹
اقتداری پدر	۱۱	۵۰	۰/۱۷۶	۱/۴۴۰	۰/۰۵۴	۰/۲۲۰
اقتداری مادر	۸	۴۱	-۰/۰۹۶	-۰/۷۸۲	-۰/۲۵۵	-۱/۰۴۰
استبدادی پدر	۶	۵۸	-۰/۰۵۴	-۰/۴۳۸	۰/۰۳۵	۰/۱۴۴
استبدادی مادر	۸	۳۲	-۰/۰۱۲	-۰/۱۰۰	-۰/۴۴۶	-۱/۸۲۱
سهل‌گیری پدر	۳	۴۸	-۰/۲۳۶	-۱/۹۲۳	-۰/۰۶۱	-۰/۲۴۸
سهل‌گیری مادر	۲	۴۰	۰/۰۴۱	۰/۳۳۶	۰/۱۵۷	۰/۶۴۱
آزمون ماردیا					-۲/۲۵۶	-۰/۹۹۹

براساس آمار مندرج در جدول ۳ می‌توان نتیجه‌گیری کرد که توزیع داده‌ها نرمال بوده است. قدرمطلق شاخصهای کجی و بلندی کمتر از ۳ است. این نتایج موید نرمال بودن هر یک از متغیرهاست. شاخص ماردیا ($-۰/۹۹۹ < ۵$) کوچکتر از پنج است. این نتیجه نرمال بودن چندگانه داده‌ها را اثبات می‌کند. یعنی علاوه بر تک‌تک متغیرها، ترکیب آنها نیز دارای توزیع نرمال است.

جدول ۴: روابط میان تعامل والد- فرزند و شیوه فرزند پروری با پیشرفت تحصیلی

استاندارد نشده	خطای معیار	نسبت	احتمال	استاندارد شده
تعامل مادر	<---	تعامل	۱	۱/۱۸۳
تعامل پدر	<---	تعامل	۱/۱۷۱	۰/۱۸۳
سهل‌گیری	<---	شیوه	۰/۱۵۲	-۰/۵۱۹
استبدادی	<---	شیوه	۰/۱۴۳	-۰/۶۳۴
اقتداری	<---	شیوه	۱	۰/۵۸۶
سهل‌گیری مادر	<---	سهل‌گیری	۱	۰/۴۳۸
سهل‌گیری پدر	<---	سهل‌گیری	۱/۷۴۳	۰/۶۰۲
استبدادی مادر	<---	استبدادی	۱	۰/۴۹۱
استبدادی پدر	<---	استبدادی	۱/۶۲۴	۰/۵۰۰

استاندارد نشده	خطای معیار	نسبت	احتمال	استاندارد شده	
۱				۰/۴۷۳	اقتداری مادر <---
۱/۱۰۸	۰/۲۰۲	۵/۴۷۲	۰/۰۰۱	۰/۴۷۳	اقتداری پدر <---
۱				۰/۲۹۱	همانندسازی مادر <---
-۰/۵۳۷	۰/۰۷۶	-۷/۰۸۶	۰/۰۰۱	-۰/۲۶۸	آزردگی مادر <---
-۱/۷۰۲	۰/۲۴۰	۷/۰۹۲	۰/۰۰۱	۰/۲۶۸	ارتباط مادر <---
۳/۲۲۲	۰/۵۵۸	۵/۷۷۸	۰/۰۰۱	۰/۱۸۷	عاطفه مادر <---
۱				۰/۲۷۹	مشارکت پدر <---
۰/۹۴۹	۰/۱۴۸	۶/۴۲۴	۰/۰۰۱	۰/۳۳۳	ارتباط پدر <---
۲/۳۴۴	۰/۳۴۶	۶/۷۷۷	۰/۰۰۱	۰/۳۸۵	عاطفه پدر <---
-۰/۱۶۲	۰/۰۲۶	-۶/۲۸۰	۰/۰۰۱	-۰/۳۱۵	خشم پدر <---
۰/۷۵۴	۰/۱۲۳	۶/۱۳۴	۰/۰۰۱	۰/۵۳۳	پیشرفت تحصیلی <---
۱				۰/۴۴۷	پیشرفت تحصیلی <---
۱				۱/۱۸۳	تعامل مادر <---

مدل ساختاری

مدل ساختاری ۱، روابط میان شیوه فرزندپروری، تعامل والد-فرزند و پیشرفت تحصیلی را نشان می‌دهد. بر اساس این نتایج و نتایج مندرج در جدول ۴ می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد:

الف) شیوه فرزندپروری ارتباط مثبت و معنادار با پیشرفت تحصیلی دارد ($p = ۰/۰۰۱$)

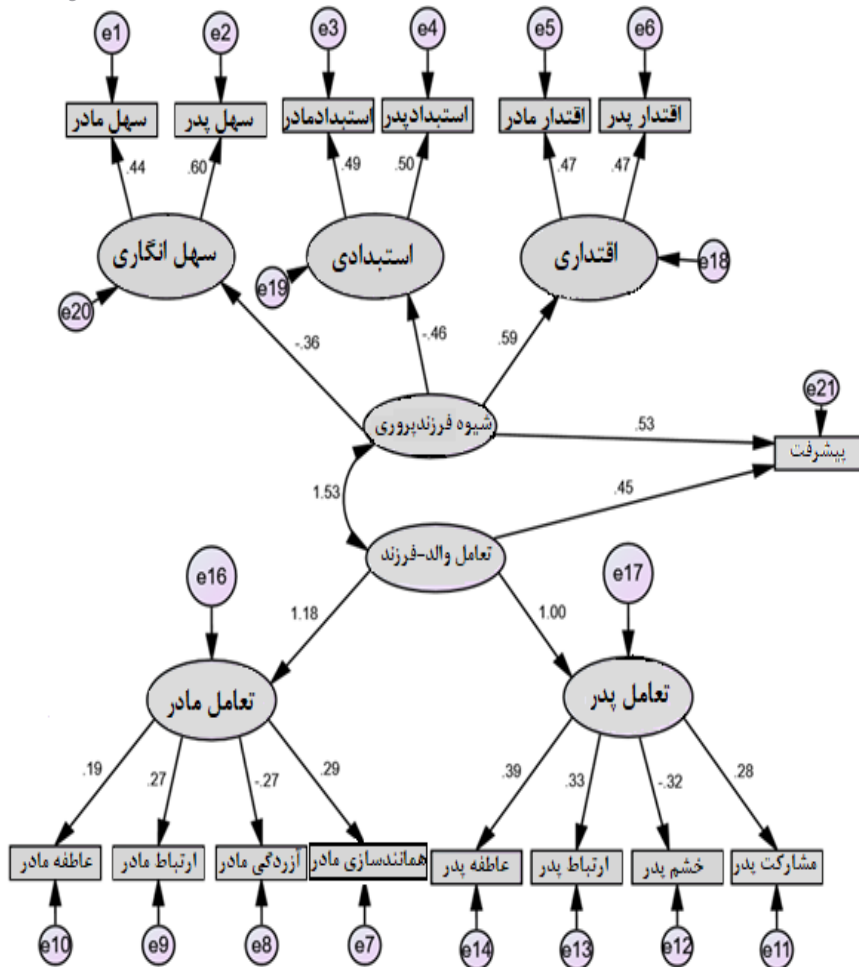
$\beta = ۰/۵۳$). بر اساس این نتایج می‌توان فرضیه اول پژوهش را مبنی بر اینکه شیوه‌های فرزند پروری سبب افزایش معنادار پیشرفت تحصیلی می‌شود، تایید کرد.

ب) تعامل والد- فرزند ارتباط مثبت و معنادار با پیشرفت تحصیلی دارد ($p = ۰/۰۰۱$)

$\beta = ۰/۴۵$). بر اساس این نتایج می‌توان فرضیه دوم پژوهش را مبنی بر اینکه تعامل والد- فرزند سبب افزایش معنادار پیشرفت تحصیلی می‌شود، تایید کرد.

ج) میان شیوه‌های فرزندپروری و تعامل والد- فرزند ارتباط معنادار وجود دارد ($p = ۰/۰۰۱$)

$\beta = ۱/۵۳$). بر اساس این نتایج می‌توان فرضیه سوم پژوهش را مبنی بر اینکه میان تعامل والد- فرزندی و شیوه‌های فرزند پروری ارتباط معناداری وجود دارد، تایید کرد.



مدل ۱: روابط تعامل والد- فرزند و شیوه‌های فرزند پروری با پیشرفت تحصیلی

تناسب مدل

مدل ساختاری دارای تناسب آماری است. بر اساس آمار مندرج در جدول شماره ۵ نتایج زیر استنباط می‌شود: مقدار شاخص مجذور کای در ۸۴ درجه آزادی برابر ۹۶/۸۴ و احتمال آن ۰/۱۶۰ است که نشان‌دهنده تناسب مدل است؛ نسبت مجذور کای به درجه آزادی (۱/۱۵) کمتر از سه است. از این رو، می‌توان چنین نتیجه گرفت که این مدل ساختاری دارای تناسب آماری است.

جدول ۵: شاخصهای تناسب مدل ساختاری

شاخصها	آماره	ملاک تایید
مجذور کای	۹۶/۸۴۸	---
درجه آزادی	۸۴	---
احتمال	۰/۱۶۰	بزرگتر از ۰/۰۵
نسبت	۱/۱۵	کمتر از ۳
شاخص نکویی برازش ^۱	۰/۹۶۹	برابر یا بزرگتر از ۰/۹۰
شاخص تاکر لوئیس ^۲	۰/۹۸۲	برابر یا بزرگتر از ۰/۹۰
شاخص برازندگی تطبیقی ^۳	۰/۹۸۶	برابر یا بزرگتر از ۰/۹۰
شاخص برازندگی افزایشی ^۴	۰/۹۸۶	برابر یا بزرگتر از ۰/۹۰
ریشه میانگین مربعات خطاهای تخمین ^۵	۰/۰۰۰	۰/۰۵ تا ۰/۱۰
دامنه اطمینان RMSEA	۰/۰۳۵-۰/۰۲۰	۰/۰۵ تا ۰/۱۰
PCLOSE	۱	بزرگتر از ۰/۰۵
Holter	۴۳۹	بزرگتر از ۲۰۰

شاخصهای GFI, TLI, CFI و IFI به ترتیب ۰/۹۶، ۰/۹۸، ۰/۹۸ و ۰/۹۸ هستند.

شاخص RMSEA برابر ۰/۰۲۰ است که از حداکثر قابل قبول ۰/۱۰ کوچکتر است. دامنه پایینی و بالایی این شاخص نیز از مقدار فوق کوچکتر هستند. مقدار PCLOSE نیز بزرگتر از ۰/۰۵ است. و سرانجام شاخص هولتر بزرگتر از ۲۰۰ است که نشان می‌دهد حجم نمونه حاضر برای انجام مدل‌سازی کافی بوده است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی دانش آموزان بر اساس سبکهای فرزندپروری و تعامل والد-فرزندی انجام پذیرفته است. بر اساس پیشینه‌های مطالعه شده، تاکنون الگو یا مدلی مشاهده نشده است که همه این روابط و متغیرها را درباره پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مطرح یا مورد بررسی قرار داده باشد. این الگو برای نخستین بار، روابط میان این متغیرها را در کنار یکدیگر و در قالب یک مدل ساختاری و بر مبنای نظریه‌های مطرح شده موجود در این حیطه مورد آزمون قرار داده است. بر پایه نظریات و مدل‌های مرتبط با سبکهای فرزندپروری و تعامل والد-فرزندی، مشخص می‌شود که آیا یک دانش آموز می‌تواند تحت شرایط متغیرهای پیش‌بین به پیشرفت تحصیلی دست یابد.

1. Goodness of Fit Index (GFI)
2. Tucker Lewis index
3. Comparative Fit Index (CFI)
4. Incremental Fit Index (IFI)
5. Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA)

در پژوهش حاضر مدل روابط مستقیم و غیر مستقیم سبک‌های فرزند پروری و تعامل والد-فرزندی آزمون شد و همان‌گونه که در تجزیه و تحلیل داده‌های آماری مشاهده شد، الگوی پیشنهادی برازشی خوب با داده‌ها نشان داد. متغیرهای پیش‌بین پژوهش حاضر در مجموع متغیر ملاک را تبیین می‌کنند.

یافته‌های به دست آمده در مورد فرضیه اول با پژوهش‌های عابدی و عریضی (۱۳۸۴)، باقرپناه (۱۳۸۴)، یعقوبخانی غیاثوند (۱۳۷۲)، باقری (۱۳۷۲)، اصغری (۱۳۸۸)، تونزنده جانی، توکل‌زاده و لگزیان (۱۳۹۰)، مزیدی و البرزی (۱۳۸۸)، احمدیان (۱۳۸۴)، مهرافروز (۱۳۷۸)، کریمی (۱۳۸۰)، ترنر، چندلر، و هفر^۱ (۲۰۰۹)، تام، چانگ، کادیرولو، کو^۲ (۲۰۱۲)، ویرامونتس^۳ (۲۰۰۹) و روسلی^۴ (۲۰۱۴) همسوست. بنابراین در پاسخ به فرضیه اول می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که طبق نظر بامریند (۱۹۹۱)، خانواده‌هایی که سبک فرزندپروری آسان‌گیر یا سهل‌گیر دارند، سعی دارند برای کودکان خود محیطی گرم، آرام و پذیرا به وجود آورند، خواسته‌های اندکی از فرزندان خود دارند و بر آنچه آنان انجام می‌دهند کنترل و نظارت ندارند. این والدین به فرزندان خود آزادی بیش از حد می‌دهند و خطای آنان را نادیده می‌گیرند. همچنین با فقدان کنترل والدین و پاسخ‌دهی به خواسته‌های فرزندان مشخص می‌شود که این سبک فرزندپروری با بزهکاری و پرخاشگری فرزندان، به دلیل فقدان نظارت و ویژگیهای اهمال‌کارانه والدین رابطه دارد. همان‌طور که اشاره شد ویژگی اصلی این گونه خانواده‌ها بی‌توجهی به فرزندان است که سبب کاهش عملکرد و پیشرفت تحصیلی آنان می‌شود.

والدینی که سبک فرزندپروری مستبد را در خانواده اجرا می‌کنند، فاقد گرمی و صمیمیت در روابط خود با فرزندان هستند، انتظار دارند که فرزندان، به خواسته‌ها و تقاضاهای آنان بدون بحث و بی‌چون و چرا عمل کنند. در این خانواده‌ها به کودکان اجازه ابراز عقیده داده نمی‌شود و فرصت کمی برای تفکر یا به کارگیری استدلال وجود دارد. این والدین نظارت و کنترل بسیار بر فرزندان‌شان دارند، حق انتخاب را از آنان سلب می‌کنند، تواناییهای فرزندان خود را نادیده می‌گیرند و انتظارات نامعقولی از آنان دارند. والدینی که سبک فرزندپروری مقتدرانه دارند، افرادی گرم و صمیمی توصیف شده‌اند و بر آنچه کودکان‌شان انجام می‌دهند کنترل دارند. آنان برای خواسته‌هایی که فرزندان خود دارند، از دلایل و توضیحات منطقی استفاده می‌کنند. این والدین تلاش دارند که به فرزندان خود گوشزد کنند که رفتار آنها چه تأثیری بر دیگران می‌گذارد. این خانواده‌ها با اعمال قوانین و مقررات لازم و تعیین استانداردهای دقیق، همچنین داشتن انتظارات متناسب با توانایی

1. Turner, Chandler & Heffer
2. Tam, Chong, Kadirvelu & Kho
3. Viramontes
4. Rosli

فرزندان، به آنان آزادی انتخاب می‌دهند و آنها را در تصمیم‌گیریها دخیل می‌دانند و ضمن پشتیبانی به آنان استقلال عمل می‌دهند. در نتیجه فرزندان والدین مقتدر به تواناییهای خود اطمینان می‌کنند و سطح خودکارآمدی بالاتری دارند. به همین سبب از پیشرفت تحصیلی بالاتری برخوردارند.

همچنین یافته‌های پژوهش حاضر در زمینه فرضیه دوم یعنی تأثیر رابطه متقابل مادر- فرزند و پدر- فرزند بر عملکرد و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان حاکی از این است که زندگی برای انسان از راه تعامل و ارتباط ممکن می‌شود و اصلی‌ترین منبع ارتباطی برای آدمی، والدین هستند. نقش والدین در رشد و تحول فرزندان در بسیاری از زمینه‌ها از جمله عملکرد و پیشرفت تحصیلی آنان مورد بررسی و پژوهش قرار گرفته است (علیزاده، ۱۳۸۰). تجزیه و تحلیل نتایج آماری و مدل ساختاری پژوهش نشان می‌دهند که در سطح $0/01$ با 99 درصد اطمینان میان پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان و تعامل والد- فرزند رابطه معنادار وجود دارد. یافته‌های به دست آمده در زمینه فرضیه دوم با پژوهشهای آتش‌روز و همکاران (۱۳۸۷)، رحمتی و لطفی (۱۳۸۷)، چراغی (۱۳۸۹)، عبادی و معتمدین (۱۳۸۶)، امینی (۱۳۷۹)، محبی نورالدین‌وند (۱۳۸۲)، جنانی (۱۳۸۰)، کارو^۱ (۲۰۱۱)، نکشوی، پرومبو، بلدیانو^۲ (۲۰۱۳)، و دینگ^۳ (۲۰۱۴) همسوست. بنابراین در پاسخ به فرضیه دوم می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که میان پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان و تعامل والد- فرزند رابطه معنادار وجود دارد و در تبیین آن چنین می‌توان گفت که این رابطه به‌مدد برخی از نظریه‌های معروف روان‌شناسی امکان‌پذیر است. مثلاً با استناد به نظریه دلبستگی می‌توان گفت که پدر و مادر وسیله تبادل عاطفی کلامی و غیر کلامی اند. در این نظریه تمرکز بیشتر بر توانایی والدین در پاسخ‌گویی به نیازهای کودک، امنیت، مهربانی و حساس بودن و نحوه پاسخ‌گویی والدین می‌باشد.

بنابراین والدین می‌توانند با ایجاد رابطه محبت آمیز و به کارگیری کلمات و حرکتهایی که نشان‌دهنده پذیرش کودکان‌شان است، پاسخگو و متعهد بودن در قبال نیازها و ارزشهای فرزندان، بهره‌گیری از لحنی مثبت و سرشار از عاطفه و عدم تحقیر و پرهیز از انتقاد صریح و سرزنش کودک، تعاملی سالم و باکیفیت با فرزندان‌شان برقرار کنند. هنگامی که کودک احساس می‌کند درک شده است، احساس تعلق و دوست داشتنی بودن می‌کند، عشق او به پدر و مادر عمیق‌تر می‌شود، ارزشها و هنجارهای والدین را درونی می‌کند، احساسات و مشکلات خود را بیان می‌کند و در مواجهه با تعارضات از آنها راهنمایی و دلگرمی می‌طلبد.

1. Caro

2. Necşoi, Porumbu & Beldianu

3. Ding

هر اندازه تعامل والد- فرزند سالم‌تر باشد، اشتیاق بروز رفتارهای اجتماعی قابل قبول در فرزندان بیشتر می‌شود. می‌توان به این نتیجه رسید که خانواده، واحد پرورش کودک است. کودک ابتدا آموزش را از خانواده فرا می‌گیرد و رفتار و نگرشهای اجتماعی او بازتابی از رفتارها و باورهایی است که از والدین خود دریافت می‌کند. بنابراین والدین نسبت به نیازهای کودک شناخت بیشتری می‌یابند و بهتر می‌توانند ارزشها و هنجارهای خانواده و جامعه و همچنین الگوهای مناسب را منتقل کنند. با توجه به مطالب بیان شده و مدل ساختاری ارائه شده در پاسخ به فرضیه سوم این پژوهش می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که میان تعامل والد- فرزند و شیوه‌های فرزندپروری با پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.

محدودیتها

۱. عدم کنترل متغیرهایی که در این پژوهش تأثیرگذار بوده اند، مانند سن، جنس، موقعیت اجتماعی، فرهنگی و...
۲. تنها ابزار مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه بود. با توجه به محدودیتهایی که پرسشنامه دارد، پژوهشگر نتوانست به جنبه‌های دیگری از اطلاعات بپردازد که با ابزارهای دیگر همچون مصاحبه به دست می‌آید.
۳. عدم تمایل به همکاری برخی از دانش آموزان که از نظر درسی ضعیف بودند، سبب شد که پرسشنامه‌ها را خانواده‌های آنان تکمیل کنند.
۴. برای اجرای پرسشنامه زمان نسبتاً زیاد لازم بود.

پیشنهادهای کاربردی

۱. برای بررسی تأثیر عملکرد خانواده بر پیشرفت تحصیلی نقش متغیرهای مزاحم مانند وضعیت اقتصادی و حمایت اجتماعی که بر انگیزش پیشرفت مستقیماً تأثیر می‌گذارد، کنترل شود.
۲. پیشنهاد می‌شود پژوهشی در زمینه رابطه شیوه‌های فرزندپروری با متغیرهایی مانند اختلال رفتاری، عزت نفس، خلاقیت و سلامت روانی فرزندان انجام گیرد.
۳. پیشنهاد می‌شود این پژوهش با توجه به طبقات اجتماعی مختلف و با تعداد نمونه بیشتر اجرا شود.
۴. کارگاههای آموزشی در زمینه شیوه‌های فرزندپروری، تعامل والد- فرزند برای معلمان و مسئولان آموزشی همچنین والدین دانش آموزان برگزار شود.

منابع

- آش‌روز، بهروز؛ پاکدامن، شهلا و عسگری، علی. (۱۳۸۷). پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان از طریق میزان دلبستگی. *خانواده پژوهی*، ۴ (۱۴)، ۱۹۳-۲۰۳.
- احمدیان، فاطمه. (۱۳۸۴). *رابطه شیوه‌های فرزندپروری با خودکارآمدی و سلامت روانی دانش‌آموزان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز.
- اژه ای، جواد؛ غلامعلی لوانسانی، مسعود، مال احمدی، احسان و خضری‌آذر، همین. (۱۳۹۰). الگوی علی روابط بین سبک‌های فرزندپروری ادراک شده، اهداف پیشرفت، خودکارآمدی و موفقیت تحصیلی. *مجله روانشناسی*، ۱۵ (۳)، ۲۸۴-۳۰۱.
- اسفندیاری، غلامرضا. (۱۳۷۴). *بررسی و مقایسه شیوه‌های فرزندپروری مادران کودکان مبتلا به اختلالات رفتاری و مادران کودکان بهنجار و تاثیر آموزش مادران بر اختلالات رفتاری فرزندان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، انستیتوی تحقیقات روانپزشکی تهران.
- اصغری، مه‌سازادات. (۱۳۸۸). *رابطه فرزندپروری ادراک شده با هوش هیجانی و خودشناسی انسجامی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- امینی، فریده. (۱۳۷۹). *مقایسه عملکرد خانواده در دو گروه دانش‌آموزان دختر مستقل و وابسته به دیگران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران.
- باقرپناه، مجتبی. (۱۳۸۴). *بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری با انگیزه پیشرفت، پیشرفت تحصیلی و افسردگی دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهرستان اسلام آباد غرب در سال تحصیلی ۸۴-۸۳*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- باقری، مسعود. (۱۳۷۲). *بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری با انگیزه پیشرفت و رابطه متغیر اخیر با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پسر دوره راهنمایی اهواز*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید چمران اهواز.
- تنهایی روشنلو، فرهاد و حجازی، الهه. (۱۳۸۸). ارتباط ادراک از سبک فرزندپروری والدین با انگیزش تحصیلی و پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان دبیرستانی. *ماهنامه دانش‌ور رفتار، تربیت و اجتماع*، ۱۶ (۳۹)، ۱-۱۴.
- توزنده‌جانی، حسن؛ توکلی‌زاده، جهانشیر و لگزیان، زهرا. (۱۳۹۰). *اثربخشی شیوه‌های فرزندپروری بر خودکارآمدی و سلامت روان دانشجویان علوم انسانی دانشگاه پیام نور و آزاد نیشابور*. *افتخ دانش؛ فصلنامه دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی گناباد*، ۱۷ (۲)، ۵۶-۶۴.
- جمالی، مکيه؛ نوری، آریتا، و طهماسبی، رحیم. (۱۳۹۲). عوامل موثر بر خودکارآمدی تحصیلی و ارتباط آن با موفقیت تحصیلی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بوشهر. *مجله آموزش در علوم پزشکی*، ۱۳ (۸)، ۶۲۹-۶۴۱.
- جنانی، کتابیون. (۱۳۸۰). *بررسی رابطه تعاملات درون خانواده و سلامت روان دانش‌آموزان پایه سوم دوره راهنمایی شهرستان بروجرد در سال تحصیلی ۷۸-۷۹*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران.
- چراغی، مهرآذر. (۱۳۸۹). *رابطه هوش هیجانی و ارتباط ولی- فرزندی با شیوه‌های مقابله با استرس دانش‌آموزان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
- رحمتی، عباس و لطفی، بهناز. (۱۳۸۷). *تاثیر آموزش مهارت‌های هوش هیجانی بر کاهش تعارض‌های والد - فرزند در دختران نوجوان شهر کرمان*. *پژوهش‌های مشاوره (تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره)*، ۷ (۲۸)، ۱۱۷-۱۳۱.

رستگار، احمد. (۱۳۸۵). *رابطه باورهای هوشی و پیشرفت تحصیلی: نقش واسطه‌ای اهداف پیشرفت و درگیری تحصیلی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

رستمی، رضا؛ شاه‌محمدی، خدیجه؛ قائد، غلامحسین؛ بشارت، محمدعلی؛ اکبری زردخانه، سعید و نصرت‌آبادی، مسعود. (۱۳۸۹). *رابطه خودکارآمدی با هوش هیجانی و حمایت اجتماعی ادراک شده در دانشجویان دانشگاه تهران*. فصلنامه افق دانش، ۱۶ (۳)، ۴۶-۵۴.

صدرالسادات، سید جلال؛ شمس اسفندآباد، حسن و امامی‌پور، سوزان. (۱۳۸۴). *مقایسه شیوه‌های فرزندپروری و کارکرد خانواده در خانواده‌های بدسرپرست، دارای اختلالات رفتاری و عادی*. مجله دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، ۷ (۲)، ۴۳-۴۸.

عابدی، احمد و عریضی، حمیدرضا. (۱۳۸۴). *بررسی رابطه بین انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر اصفهان با ویژگی‌های آنان*. خانواده پژوهی، ۱ (۲)، ۱۳۹-۱۴۷.

عبادی، غلامحسین و معتمدین، مختار. (۱۳۸۶). *بررسی رابطه والد-فرزندی، ابراز وجود و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پسر دوره متوسطه شهر تبریز*. پژوهش‌های مشاوره، ۶ (۲۳)، ۹۷-۱۱۵.

عراقی، یحیی. (۱۳۸۷). *بررسی کیفیت رابطه والد - فرزند در دو گروه از دانش‌آموزان پسر پرخاشگر و غیرپرخاشگر*. مطالعات روان‌شناختی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه الزهراء (س)، ۴ (۴)، ۱۱۳-۱۲۹.

علیزاده، حمید. (۱۳۸۰). *تعامل والدین - فرزند*. مجله پژوهش‌های روانشناختی، ۶ (۳-۴)، ۸۲-۱۰۲.

کریمی، منیره. (۱۳۸۰). *بررسی رابطه نگرش مذهبی و شیوه‌های فرزند پروری والدین با نگرش مذهبی دختران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء.

مجیبی نورالدین‌وند، محمدحسین. (۱۳۸۲). *رابطه بین جو عاطفی خانواده (تعامل والد-فرزند)، با سازگاری فردی-اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دبیرستان‌های پسرانه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مسجد سلیمان.

مزیدی، محمد و البرزی، محبوبه. (۱۳۸۸). *بررسی رابطه بین خودپنداری کودکان و شیوه‌های فرزندپروری والدین*. اندیشه‌های نوین تربیتی، ۵ (۲)، ۹-۲۴.

مهرافروز، حجت‌الله. (۱۳۷۸). *بررسی رابطه بین نگرش نسبت به شیوه‌های فرزندپروری مادر (اقتدار، استبدادی، آزادگانه‌اری) با مکان کنترل و پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان پسر پایه چهارم ابتدایی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران.

یعقوبخانی غیاثوند، مرضیه. (۱۳۷۲). *رابطه محیط خانواده و پیشرفت تحصیلی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.

Abesha, A. G. (2012). *Effects of parenting styles, academic self-efficacy, and achievement motivation on the academic achievement of university students in Ethiopia*. Doctoral dissertation, Edith Cowan University, Australia.

Amrai, K., Elahi Motlagh, S., Azizi Zalani, H., & Parhon, H. (2011). The relationship between academic motivation and academic achievement students. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 15, 399-402.

- Baumrind, D. (1971). Current patterns of parental authority. *Developmental Psychology Monographs*, 4, (1, Pt.2), 1-103.
- _____. (1991). Parenting styles and adolescent development. In J. Brooks-Gunn, R.M. Lerner, & A.C. Petersen (Eds.). *The encyclopedia on adolescence* (pp. 746-758). New York: Garland Publishing.
- Bruke, T.B. (2005). *Family influence on self-efficacy: Exploring the relationship between perceived parenting style, current social support, and self-efficacy beliefs in a sample of non-traditional college students*. Doctoral dissertation, Capella University, Minnesota.
- Buri, J. R. (1991). Parental Authority Questionnaire. *Journal of Personality Assessment*, 57(1), 110-119.
- Caro, D.H. (2011). Parent-child communication and academic performance: Associations at the within- and between-country level. *Journal for Educational Research Online*, 3(2), 15-37.
- Ding, G. (2014). Parental behaviors and academic achievement. *American International Journal of Social Science*, 3(1), 25-43.
- Fine, M. A., Moreland, J. R., & Schwebel, A. I. (1983). Long-term effects of divorce on parent-child relationships. *Developmental Psychology*, 19, 703-713.
- Galla, B.M., Wood, J.J., Tsukayama, E., Har, K., Chiu, A.W., & Langer, D.A. (2014). A longitudinal multilevel model analysis of the within-person and between-person effect of effortful engagement and academic self-efficacy on academic performance. *Journal of School Psychology*, 52(3), 295-308.
- Guay, F., Ratelle, C. F., Roy, A., & Litalien, D. (2010). Academic self-concept, autonomous academic motivation, and academic achievement: Mediating and additive effects. *Journal of Learning and Individual Differences*, 20, 644-653.
- Ingoldby, B., Schvaneveldt, B., Supple, A., & Bush, K. (2004). The relationship between parenting behaviors and adolescent achievement and self-efficacy in Chile and Ecuador. *Marriage and Family Review*, 35(3), 139-159.
- Lord, S. E., Eccles, J. S., & McCarthy, K.A. (1994). Surviving the junior high school transition family processes and self-perceptions as protective and risk factors. *Journal of Early Adolescence*, 14(2), 162-199.
- Necşoi, D.V., Porumbu, D., & Beldianu, I.F. (2013). The relationship between parental style and educational outcomes of children in primary school in Romania. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 82, 203-208.
- Radel, R., Sarrazin, P., Legrain, P., & Wild, T. C. (2010). Social contagion of motivation between teacher and student: Analyzing underlying processes. *Journal of Educational Psychology*, 102(3), 577-587.
- Rice, K. G., Cole, D. A., & Lapsley, D. K. (1990). Separation-individuation, family cohesion, and adjustment to college: Measurement validation and test of a theoretical model. *Journal of Counseling Psychology*, 37(2), 195-202.
- Rosli, Noor A. (2014). *Effect of parenting styles on children's emotional and behavioral problems among different ethnicities of Muslim children in the U.S*. Doctoral dissertation, Marquette University.

- Steinberg, L. (2001). We know some things: Parent-adolescent relationships in retrospect and prospect. *Journal of Research on Adolescence*, 11(1), 1-19.
- Tam, C.-L., Chong, A., Kadirvelu, A., & Khoo, Y.-T. (2012). Parenting styles and self-efficacy of adolescents: Malaysian scenario. *Global Journal of Human Social Science*, 12(4).
- Turner, E. A., Chandler, M., & Heffer, R. W. (2009). The influence of parenting styles, achievement motivation, and self-efficacy on academic performance in college students. *Journal of College Student Development*, 50(3), 337-346.
- Viramontes, M. (2009). *Parenting styles and practices and their impact on school behavior*. Ms. Thesis, California State University.